



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 41
Winter 2025

Pages: 155-179

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.59635.2488

Received: 2023/12/17 Received in revised form: 2024/07/15 Accepted: 2024/07/22 Published: 2024/12/23

Investigating the Impact of the Persian Gulf Pearl Trade on the Establishment of Permanent Maritime Peace between Arab Sheikhs and Britain During the Qajar Period

Ziba Ghafouri¹ | Hamid Hajianpour²

Abstract

Before the discovery of oil, the pearl trade was the most profitable commercial enterprise in the Persian Gulf. During the Qajar era, Britain held a significant share in this trade and sought to secure the region to facilitate its economic interests. To achieve this, Britain intervened in Arab tribal conflicts and piracy, compelling local rulers to adopt peaceful measures through a series of agreements. This study aims to answer a fundamental question using a historical and descriptive-analytical approach based on library and documentary sources: What impact did the pearl trade have on Britain's efforts to establish permanent peace in the Persian Gulf? The research findings indicate that unrest, tribal conflicts, and piracy disrupted the pearl trade, prompting Britain—an economic beneficiary of the industry—to take strategic measures to ensure stability. Initially, Britain enforced truces only during the pearl fishing and trading seasons, using a combination of diplomatic pressure and agreements with Arab sheikhs. Over time, these temporary measures evolved into a permanent peace agreement, effectively ending regional conflicts. The Arab sheikhs, who also profited significantly from the pearl trade, ultimately accepted this agreement. The primary conclusion of this study is that the pearl trade played a direct role in the establishment of a permanent peace agreement between Britain and the Arab sheikhs. This, in turn, solidified British dominance over the Persian Gulf and contributed to the emergence of the sheikhdoms along its southern coast.

Keywords: Britain, Pearl Trade, Persian Gulf, Arab Sheikhs, Maritime Peace, Qajar.

1. Ph.D in the History of Iran After Islam, Shiraz University, Iran

2. Associate Professor, Shiraz University, Iran (Corresponding Author)

ghafory.ziba@gmail.com

hhajianpour@yahoo.com

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۵، شماره: ۴۱

زمستان ۱۴۰۳

صفحات: ۱۵۵-۱۷۹

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/JIIPH.2024.59635.2488

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

بررسی تأثیر تجارت مروارید خلیج فارس در شکل‌گیری صلح دائم

دریایی میان شیوخ عرب و بریتانیا در دوره قاجاریه

زیبا غفوری^۱ | حمید حاجیان‌پور^۲

چکیده

تجارت مروارید پرسودترین کالای تجاری در خلیج فارس، تا پیش از اکتشاف نفت بود. بریتانیا در عصر قاجار سهم عمده‌ای در تجارت مروارید داشت. از این رو تلاش داشت امنیت این حوزه را به‌منظور تسهیل تجارت مروارید تأمین سازد. در این راستا به مقابله با درگیری‌های قبایل عرب و دزدی دریایی پرداخت و با عقد قراردادهایی، آن‌ها را به در پیش گرفتن رویه مسالمت‌جویانه وادار نمود. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که تجارت مروارید چه تأثیری بر ایجاد صلح دائم توسط بریتانیا در خلیج فارس داشت؟ براساس یافته‌های تحقیق، بروز ناآرامی و جنگ میان قبایل عرب منطقه و دزدی‌های دریایی باعث ایجاد اختلال در تجارت مروارید در خلیج فارس شد. بریتانیا که از این تجارت سود هنگفتی به دست می‌آورد، به‌منظور برقراری امنیت با ترکیبی از اعمال فشار و جلب رضایت شیوخ عرب، در ابتدا تنها در فصول صید و تجارت مروارید، اقدام به ایجاد آتش‌بس نمود و سپس با انعقاد قرارداد صلح دائم به ناامنی‌ها و درگیری‌ها در خلیج فارس خاتمه داد. در این میان، شیوخ عرب که از تجارت مروارید سود فراوانی کسب می‌کردند، با قرارداد صلح دائم موافقت نمودند. بدین ترتیب مهم‌ترین یافته این تحقیق تأثیر مستقیم تجارت مروارید بر شکل‌گیری قرارداد صلح دائم میان شیوخ عرب و بریتانیا بود که در نهایت به تسلط بریتانیا بر خلیج فارس و شکل‌گیری شیخ‌نشین‌ها در حاشیه جنوبی خلیج فارس منجر شد.

کلیدواژه‌ها: بریتانیا، تجارت مروارید، خلیج فارس، شیوخ عرب، صلح دریایی، قاجاریه.

ghafory.ziba@gmail.com
hhajianpour@yahoo.com

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز، ایران
۲. دانشیار دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول)



مقدمه

تجار بریتانیایی در عصر استعمار در پی تجارت به شرق وارد شدند. آن‌ها موفق شدند سرزمین هند را تصرف و تحت استعمار خویش درآورند. به واسطه سود سرشار استعمار هند برای بریتانیا، آن دولت به حمایت از کمپانی هند شرقی برخاست و سپس در نیمه دوم قرن ۱۸م/۱۲ق زمام امور سیاسی کمپانی را به دست گرفت و بدین طریق دولت بریتانیا به شرق قدم نهاد. نخستین هدف بریتانیا از ورود به شرق تجارت بود. در شرق از یک‌سو مواد خام ارزشمندی برای کارخانجات انگلیس وجود داشت و از سوی دیگر بازار خوبی برای محصولات آن‌ها بود. خلیج فارس یکی از نخستین مناطق مورد توجه تجار بریتانیایی پس از ورود به شرق بود. سرزمین‌های اطراف این آبراه کالاهای ارزشمند و مواد اولیه مهمی برای عرضه به تجار داشت. در این راستا تجار بریتانیا همواره تلاش داشتند موقعیت خود را در خلیج فارس حفظ کرده و آن را بهبود بخشند؛ از این‌رو تلاش در جهت کاهش رقبا در منطقه، کنترل تجارت منطقه، نفوذ در میان ساکنان سرزمین‌های اطراف خلیج فارس و مواردی از این قبیل، در رأس اهداف آن‌ها قرار گرفت. در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، مهم‌ترین کالای خلیج فارس مروارید بود. وجود منابع ارزشمند مروارید در این آبراه نظر بریتانیا را به شدت به خود جلب نمود. تجارت مروارید سود سرشاری را نصیب تجار بریتانیایی کرد. از این‌رو تلاش شد تا منطقه را برای تجارت این کالای ارزشمند امن سازند. با توجه به نکات یادشده، مسئله اساسی پژوهش پیش رو تأثیر تجارت مروارید بر شکل‌گیری سلسله قراردادهایی میان بریتانیا و شیوخ عرب در خلیج فارس است که در نهایت به عقد قرارداد صلح دائم میان طرفین در نیمه نخست عصر قاجار منجر شد و نتیجه آن سیطره بریتانیا بر خلیج فارس بود. در این راستا به واسطه اهمیت نقش تجارت مروارید در خلیج فارس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تجارت مروارید بر شکل‌گیری قراردادهای صلح و در نهایت ایجاد صلح دائم میان بریتانیا و شیوخ عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس است. بر این اساس پژوهش حاضر با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی موجود، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است: تجارت مروارید چه تأثیری بر ایجاد صلح دائم توسط بریتانیا در خلیج فارس داشت؟ به منظور روشن شدن این موضوع،

ضرورت دارد به‌اجمال به بسترهای ورود بریتانیا به خلیج‌فارس و نقش بریتانیا در تجارت مروارید در خلیج‌فارس پرداخته شود.

درخصوص پیشینه موضوع پژوهش، مقالاتی با موضوع توصیف وضعیت صید و تجارت مروارید در خلیج‌فارس در قرون مختلف تا عصر معاصر نگارش شده است؛ اما هیچ‌یک تأثیر این تجارت را بر شکل‌گیری صلح دائم در خلیج‌فارس بررسی نکرده‌اند. قاسمیان (۱۴۰۰) در مقاله «جایگاه صید و تجارت مروارید در همگرایی ساحل‌نشینان خلیج‌فارس در عصر قاجار» به تعامل ساکنان منطقه در زمینه صید و تجارت مروارید و سازوکارهای سنتی صید و تجارت آن پرداخته است ولی اشاره‌ای به مسئله ایجاد صلح در خلیج‌فارس ندارد. قیم و همکارانش (۱۳۹۵) در مقاله «تجارت مروارید در سواحل شمالی خلیج‌فارس دوران قاجار» به روند تجارت مروارید در سواحل شمالی و نیز نقش مروارید در اقتصاد سواحل شمالی در عصر قاجار پرداخته است اما تأثیر آن را بر ایجاد قراردادهای صلح موردتوجه قرار نمی‌دهد. مستوفی (۱۳۸۷) در مقاله «صید و تجارت مروارید در خلیج‌فارس در قرن نوزدهم میلادی» سازوکارهای صید و تجارت مروارید و نیز حضور تجار اروپایی در تجارت مروارید خلیج‌فارس از قرن ۱۶ تا ۱۹م را بررسی کرده است اما به تأثیر این تجارت بر ایجاد صلح نپرداخته است. علیجانی و شرفی (۱۴۰۰) در مقاله «واکاوی صید و فروش مروارید در خلیج‌فارس با تکیه بر متون جغرافیایی قرون سوم تا هشتم هجری» به سابقه صید و تجارت مروارید در خلیج‌فارس در قرون مذکور پرداخته است و دوره تاریخی موردنظر پژوهش حاضر را دربرنمی‌گیرد. طاهری (۱۳۹۸) نیز در کتاب «از مروارید تا نفت» به تاریخ تجارت مروارید و صید آن در خلیج‌فارس و ورود کشورهای اروپایی به عرصه تجارت مروارید سخن گفته است، اما در باب نقش تجارت مروارید در ایجاد صلح دائم توسط بریتانیا مطلبی ارائه نمی‌دهد. عالیشوندی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «نقش بندرلنگه در تجارت خلیج‌فارس در دوره قاجار» به سیر شکل‌گیری بندرلنگه، وضعیت سیاسی و اقتصادی آن بندر و همچنین تأثیر آن بر رونق اقتصادی خلیج‌فارس در دوره قاجار پرداخته است، ولی اشاره‌ای به تأثیر تجارت مروارید بر شکل‌گیری قراردادهای صلح توسط بریتانیا ندارد. محمدی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «تجارت و صنعت صید مروارید در خلیج‌فارس» به بررسی صنعت و تجارت صید مروارید از دوران باستان تا قرن ۲۰م پرداخته و تأثیر تجارت مروارید بر اقتصاد جوامع محلی و علل

افول این صنعت را بررسی کرده است؛ اما به قراردادهای صلح میان بریتانیا و شیوخ عرب و تأثیر تجارت مروارید بر وقایع مذکور اشاره‌ای ندارد. همچنین سهرابی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه «نقش شیلات در توسعه اقتصادی سواحل شمالی خلیج فارس از دوران قاجار تا سال ۱۳۹۰ ه.ش» به تجارت مروارید در عصر قاجار، صیدگاه‌ها، انواع مروارید و درآمد دولت قاجار از این تجارت پرداخته است، اما به مسئله پژوهش حاضر اشاره‌ای ندارد. اسمی‌زاده (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «بررسی تجارت در حوزه خلیج فارس با تأکید بر سه کالای استراتژیکی (خرما، مروارید و ادویه) از قرون اولیه اسلام تا پایان فروپاشی صفویه» نیز به صید و تجارت مروارید در خلیج فارس پرداخته است اما دوره زمانی آن تا پایان صفویه است و دوره موردنظر پژوهش حاضر را پوشش نمی‌دهد.

بدین ترتیب وجه ممیزه پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، تمرکز بر اهمیت و نقش تجارت مروارید در شکل‌گیری معاهدات آتش‌بس و درنهایت قرارداد صلح دائم در خلیج فارس است که از یکسو به برقراری امنیت برای تجارت مروارید منجر شد و از سوی دیگر به کنترل خلیج فارس و سرزمین‌های حاشیه جنوبی قرن ۱۹ و ۲۰ م/۱۳ و ۱۴ ق توسط بریتانیا منجر گردید.

۱- بسترهای ورود بریتانیا به خلیج فارس

خلیج فارس و دریای عمان محور ارتباطی میان قاره‌های آسیا در بخش جنوبی، شبه‌قاره هند، شرق و جنوب شرقی اروپا و آفریقا است. این ویژگی ژئوپلیتیک خاص امکان اتصال به سرزمین‌های بری و بحری را فراهم کرده و با این ویژگی اقیانوس هند، اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس، دریای سرخ، دریای مدیترانه و دریای سیاه مرتبط می‌شوند (چمنکار، ۱۳۸۹: ۳). در این راستا خلیج فارس همواره موردتوجه قدرت‌های مختلف از جهت تجاری و سیاسی بوده است. یکی از این قدرت‌ها بریتانیا بود که ابتدا در پی تجارت به این حوزه وارد شد.

تجار بریتانیایی در قرن ۱۶ م/۱۰ ق به خلیج فارس وارد شدند. آن‌ها ابتدا پایگاه تجاری خود را در جاسک و سپس گمبرون یا بندرعباس تأسیس نمودند و درنهایت در سال ۱۷۶۳ م/ ۱۱۷۷ ق تجارتخانه انگلیس به بوشهر منتقل شد (فلور، ۱۳۸۹: ۱۷؛ Amin, 1967: 42-44).

از این پس با وجود مشکلات بسیار، بریتانیا این نمایندگی را به مدت یک‌صد و پنجاه سال حفظ کرده و آن بندر را به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه خود در خلیج فارس برگزید (غفوری، حاجیان‌پور، ۱۳۹۹: ۸۰).

در نیمه دوم قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹م دولت بریتانیا به‌تدریج حضور و نفوذ خود را در خلیج فارس گسترش داد. علل مختلفی بریتانیا را به اخذ این تصمیم مصمم نمود، که در رأس آن‌ها دو مسئله تجارت و حفظ سرزمین هندوستان قرار داشت. به‌طور کلی سیاست بریتانیا در شرق و خلیج فارس همواره پیوندی تنگاتنگ با منافع تجاری این کشور در منطقه خلیج فارس داشت. از سوی دیگر خلیج فارس یکی از مرزهای امپراتوری هند بریتانیا بود (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۴۲ و ۱۳) و سیاستمداران بریتانیا همواره از خلیج فارس به‌عنوان دروازه هندوستان یاد می‌کردند. از این رو خلیج فارس یکی از منشأهای تهدید برای موقعیت بریتانیا در هند بود. براساس موقعیت استراتژیک خلیج فارس در ارتباط با هند، کشورهای فرانسه و روسیه در قرن ۱۸م/۱۲ق و ۱۹م/۱۳ق به‌منظور ضربه زدن به بریتانیا و سیطره بر هندوستان، این آبراه را مدنظر داشتند (یادداشت‌های ژنرال تره‌زل در سفر به ایران، بی‌تا: ۴۱-۴۰؛ نوایی، ۱۳۲۸: ۲۵-۲۴؛ پیو کارلوترنزیو، ۱۳۶۳: ۲۸-۲۷).

بدین ترتیب بریتانیا در جهت کنترل تجارت منطقه و حفظ هندوستان به‌تدریج بر نفوذ خود در خلیج فارس افزود و سپس با بهانه قرار دادن ایجاد ناآرامی توسط طوایف عرب ساکن در سواحل جنوبی در سال‌های پایانی قرن ۱۸م/۱۲ق، اقدام به استقرار نیروی دریایی در خلیج فارس نمود (لوتسکی، ۱۳۴۹: ۱۲۲-۱۲۱). از دیگر وقایعی که تجارت منطقه را تحت تأثیر قرار داد، دزدی دریایی بود. نیروهای قواسم در سودای سیطره بر خلیج فارس و نیز مقابله با بریتانیا که رقیب تجاری آن‌ها بود به کشتی‌های تجاری بریتانیا حمله می‌کردند. بریتانیا در ابتدا تلاش کرد با عقد قراردادهایی با اعراب به این وضعیت خاتمه دهد (Atchinson, 1909: 265-266)؛ اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه بود (Lorimer, 1986: 1/ 379-647; Miles, 1966: 1/ 639-647) و کمی بعد حملات مجدداً از سر گرفته شد (نشات، ۱۳۴۴: ۲۱۸-۲۱۳)؛ بدین ترتیب در سال ۱۸۱۹م/ ۱۲۲۴ق نیروی دریایی بریتانیا در هندوستان در حمله‌ای گسترده، قواسم را سرکوب کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۶۳۵).

(Belgrave, 1972: 142) و در ژانویه ۱۸۲۰م/ ربیع‌الاول ۱۲۳۵ق شیوخ عرب را وادار به امضای قراردادی نمودند که به قرارداد صلح عمومی^۱ معروف شد (saldanha, 1986: 126). قرارداد صلح عمومی بستر ورود گسترده بریتانیا به خلیج فارس، شکل‌گیری قراردادهای آتش‌بس و سپس قرارداد صلح دائم و همچنین شکل‌گیری کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بود.

۲- نقش بریتانیا در تجارت مروارید خلیج فارس

سابقه صید و تجارت مروارید در خلیج فارس به دوران باستان می‌رسد؛ کشف آثار و زیورآلاتی از مروارید در تپه‌های باستانی ایران و همچنین در اشیا زینتی یافت شده در پاسارگاد و شوش حکایت از شناخت و احتمالاً صید آن در این دوران دارد (tallon, 1992: 242؛ هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۱۴۹). ایزیدور خاراکسی مورخ و جغرافیدان عصر اشکانی از صید مروارید در جزایر خلیج فارس سخن گفته است (خاراکسی، ۱۳۹۲: ۳۰-۲۹) در عصر ساسانیان و پس از ورود اسلام به ایران تا قرن ۱۹م نیز همچنان صید مروارید و تجارت آن از پیشه‌های مهم ساکنان سرزمین‌های اطراف خلیج فارس بود. طی قرون ۱۷، ۱۸ و ۱۹م/ ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ق و پیش از آن، مشهورترین مروارید جهان در اطراف جزایر خارک، بحرین و کیش صید می‌شد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۱۰-۵۱۱؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۱۱۵).

براساس گزارش‌ها، حدود ۸۰ درصد مروارید طبیعی و باکیفیت جهان تا قبل از سال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش در آب‌های خلیج فارس به دست می‌آمد. تنها در سال ۱۷۹۰م/۱۲۰۵ق حجم صادرات مروارید خلیج فارس به بریتانیا بیش از پنجاه‌هزار پوند بود. در نیمه اول قرن ۱۸م/۱۲ق درآمد سالانه صید مروارید خلیج فارس بالغ بر ۲۴۰ هزار روپیه بود و طی قرن ۱۹م/۱۳ق تنها طی یک فصل، درآمد صید و تجارت مروارید، حدود ۴ میلیون روپیه بود (طاهری، ۱۳۸۰: ۴۰۶). این آمارها موجب توجه دولت ایران و تلاش برای دریافت عوارض از صادرات آن شد (ساکما، ۱۱۰۴۷۰-۲۴۰، ۱۹۱۱م، ۳-۲۲). مقایسه درآمد حاصل از فروش مروارید با درآمد نفت قابل توجه است؛ کل درآمد نفتی ایران در بازه زمانی ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰م

در حدود یک‌میلیون و سیصد هزار پوند بود و در میانه سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ این درآمد به حدود ۱۰ میلیون پوند رسید (مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۳).

بحرین در سواحل جنوبی، کیش و بندرلنگه^۱ در سواحل شمالی از مهم‌ترین مراکز خریدوفروش مروارید در خلیج فارس بودند. درواقع بندرلنگه مهم‌ترین بازار خریدوفروش مروارید در خلیج فارس بود و حتی بازرگانان هندی نیز جهت خرید مروارید به لنگه می‌آمدند (گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا...، ۱۳۷۶: ۲۳۱). در بازار مکاره بندرلنگه که جهت خریدوفروش مروارید برپا می‌شد، سالانه نزدیک به نیم میلیون لیره دادوستد صورت می‌گرفت (کرزن، ۱۳۴۷: ۱۵۳). همین امر بندرلنگه را به آبادترین و زیباترین بنادر خلیج فارس در عصر قاجار تبدیل کرده بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۸۴).

لازم به ذکر است که سایر کشورهای اروپایی نظیر آلمان نیز در این سال‌ها در خلیج فارس در عرصه تجارت مروارید و صدف^۲ فعالیت داشتند (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۵۵؛ زاده بوشهری، بی‌تا: ۱۳۶). حضور کشورهای رقیب در خلیج فارس و سهم شدن در تجارت پرسود این منطقه، یکی از انگیزه‌های مهم بریتانیا برای تبدیل خلیج فارس به حوزه نفوذ خود و عقد قراردادهای صلح و تحت تسلط گرفتن این منطقه بود.

۳- تجارت مروارید خلیج فارس و نقش آن در ایجاد قراردادهای صلح

بریتانیا طی قرن ۱۹م/۱۳ق تلاش نمود تمامی مناطق مرواریدخیز خلیج فارس شامل مناطق بندرعباس، بندرلنگه و حوزه اطراف آن که طی سال‌های مذکور در اجاره امام عمان قرار داشت (سپهر، ۱۳۵۳: ۱/ ۲۰۳-۲۰۲)، را تحت سیطره و کنترل قرار دهد (حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷: ۷۹)؛ در این راستا تلاش نمود با حمایت از اجاره بندرعباس توسط عمان، تمامی مناطق مذکور را تحت نظارت و کنترل خویش درآورد (خورموجی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۷، ۱۳۶/۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۲۱۹/۲)؛ امام عمان که تا آن زمان خود را تابع دولت ایران

۱. بندرلنگه و بندرعباس در عصر قاجار در اجاره امام مسقط قرار داشتند.

۲. در صنعت دکمه‌سازی و اشیاء زینتی از آن استفاده می‌شد.

می‌دانست (حسینی فسایی، ۱۳۶۸: ۷۰۳/۱)، نیز روابط نزدیک و دوستانه‌ای با بریتانیا برقرار نموده بود. از این رو بریتانیا همواره از اجاره این حوزه توسط عمان حمایت کرده و بعدها با وجود تشنجات مکرر میان ایران و عمان بر سر اجاره بندرعباس و بندرلنگه و مناطق اطراف آن، بریتانیا به میانجی‌گری پرداخته و تلاش نمود اجاره آن مناطق را برای عمان تمدید و تأیید نماید (هنت، ۱۳۲۷: ۵۸-۵۹). از سوی دیگر بریتانیا طی قراردادهای صلح عمومی تلاش نمود، بحرین یکی دیگر از مناطق مهم خرید و تجارت مروارید را تحت تسلط خود بگیرد. بریتانیا با چنین اعمالی تلاش کرد خلیج فارس را به دریایی انگلیسی تبدیل کرده و تمامی مراکز حساس سیاسی-اقتصادی آن را تحت کنترل قرار دهد.

به واسطه موقعیت ویژه بحرین در صید و تجارت مروارید، این سرزمین همواره مورد توجه سایر اقوام و قبایل خلیج فارس قرار داشت. در این راستا نه تنها دولت‌های ایران و عثمانی، بلکه امام مسقط نیز چشم طمع به بحرین داشته و چندین بار تلاش نمود با تصرف بحرین بر این منابع مروارید آن سرزمین دست یابد. به‌طور مثال در پی مقدمه‌چینی عمان برای حمله به بحرین در پایان دهه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق، امیر بحرین براساس قرارداد صلح عمومی، از نمایندگی مقیم بریتانیا در خلیج فارس درخواست کمک کرد (Saldanha, 1986: 174/2)، اما وی درگیری‌های مذکور را امری خارج از مواد عهدنامه دانست و از مداخله امتناع نمود (لوریمر، ۱۳۸۸: ۱۷۸). دستورالعمل دولت بمبئی که در پی این وقایع خطاب به نماینده بریتانیا در خلیج فارس صادر شده است، حاکی از اهمیت تجارت مروارید برای آن دولت و تنظیم سیاست‌های خود در خلیج فارس در راستای آن است:

«هنوز مطلوب آن است که از هرگونه دخالت در تمامی جنگ‌ها و هر جنگی که از علل مرتبط با راهزنی نشأت نمی‌گیرد، اجتناب ورزیم؛ ... درعین حال که شما بیشترین احتیاط‌ها و مراقبت‌ها را همچنان به کار می‌برید، تا هیچ‌گونه تضمینی ندهید یا دولت [بریتانیا] را متعهد و درگیر نسازید، باید از هر فرصتی برای یادآوری به شیوخ مختلف در مورد تمایل ما به ادامه روابط صلح‌آمیز آن‌ها با یکدیگر استفاده کنید ... سواحل مروارید نباید در طول فصل صید مروارید صحنه جنگ هیچ‌کدام از شیوخ عرب باشد و طرفی که با شروع حمله از این قاعده تخطی ورزد، باید با او به‌مثابه یک راهزن دریایی برخورد شود» (Saldanha, 1986: 2/ 172-173).

۱.۳. قرارداد آتش‌بس

طی سال‌های دهه دوم و سوم قرن ۱۹م/۱۳ق در خلیج فارس ناامنی‌های متعددی پدیدار شد. در سال ۱۸۳۱م/۱۲۴۷ق میان حکمران صحار و شیخ عجمان درگیری‌هایی روی داد. دو طرف در دریا به کشتی‌های یکدیگر حمله می‌کردند؛ در این میان تعدادی از کشتی‌های بی‌طرف نیز مورد حمله طرفین قرار گرفتند (لوریمر، ۱۳۸۸: ۱۷۵)؛ در همان سال قواسم به سواحل ایران حمله برده و برخی کشتی‌های ایرانی را در دریا تصرف کردند (Lorimer, 1986: 1/ 681). در سال ۱۸۳۲م/۱۲۴۸ق دزدانی از اهل شارجه به کشتی‌های تجاری بریتانیا حمله کردند؛ در سال ۱۸۳۳م/۱۲۴۸ و ۱۲۴۹ق قواسم به برخی کشتی‌ها و اموال مردم و تجار حمله کردند (Lorimer, 1986: 1/682). در سال ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۵م/۱۲۴۹ تا ۱۲۵۱ق نیز میان شیخ شارجه و شیخ ابوظبی به‌منظور سیادت بر منطقه درگیری روی داد (Saldanha, 1986: 2/ 190)؛ سپس در سال ۱۸۳۴م/۱۲۵۱ق شیخ شارجه به منطقه باطنه حمله برد. در این میان تعدادی کشتی دزدیده شد و به کشتی‌های عمان نیز حمله شد (Lorimer, 1986: 1/ 684)؛ قبایل ابوفلاس و بنی‌یاس نیز در سال ۱۸۳۴م/۱۲۴۹ق به دزدی دریایی مبادرت کرده و بنی‌یاس با اعمال خشونت به دزدی، غارت و قتل‌عام خدمه کشتی‌ها پرداخت. بنابراین نماینده بریتانیا در خلیج فارس به همراه ناوگان نظامی وارد عمل شد و پس از پنج ماه بالاخره موفق به سرکوب بنی‌یاس شد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

ناامنی‌های خلیج فارس طی سال‌های دهه دوم و سوم قرن ۱۹م/۱۳ق از یکسو به تجارت و اقتصاد منطقه آسیب جدی زد و از سوی دیگر به مقامات بریتانیا نشان داد که قرارداد ۱۸۲۰م/۱۲۳۵ق در عمل موفق به پایان دادن به جنگ‌ها و درگیری‌های متداول میان قبایل عرب منطقه نشده است. طی سال‌های ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۵م/۱۲۴۹ تا ۱۲۵۱ق تجارت و صید مروارید که یکی از مهم‌ترین راه‌های امرارمعاش اعراب بود، زیان فراوانی دید. بدین ترتیب شیوخ منطقه که به شدت به تجارت مروارید وابسته بودند و سود فراوانی آن به دست می‌آوردند، همچون بریتانیا نیاز به قوانین محدودکننده بیشتری را در فصل صید مروارید احساس می‌نمودند. از سوی دیگر بریتانیا نیز براساس ماده چهارم قرارداد سال ۱۸۲۰م/۱۲۳۵ق تلاش کرد، وارد عمل شود و نسبت به پیشگیری از درگیری‌ها در دریا

اقدام کند؛ بنابراین کاپیتان سموئل هنل^۱ دستیار نماینده سیاسی پس از سرکوب بنی‌یاس، از فرصت استفاده نمود و برخی شیوخ را برای گردهمایی و مشورت به باسعیدو^۲ دعوت نمود، تا در باب یک آتش‌بس دریایی در طول فصل صید مروارید تصمیم‌گیری شود؛ این پیشنهاد موردپذیرش شیوخ قرار گرفت. درواقع تجارت مروارید برای شیوخ و بازرگانان عرب و غیرعرب حوزه خلیج فارس چنان اهمیت داشت که آن‌ها به یکی از حکام هند پیشنهاد داده بودند که ناوگان خود را برای محافظت از مخازن مروارید و کشتی‌های صید مروارید در برابر ۲۰ دلار ماریاترزا برای هر کشتی به خلیج فارس ارسال نماید (Onley, 2004: 43).

اگرچه منابع بریتانیا تلاش دارند عقد آتش‌بس‌های دریایی را تنها به خواست شیوخ و حکام عرب نشان دهند، اما آتش‌بس خواسته‌ای دوطرفه بود. بی‌تردید تجارت پرسود مروارید یکی از ارکان اساسی تجارت بریتانیا در خلیج فارس بود، اما این تجارت به واسطه جنگ‌ها و درگیری‌های اعراب طی فصل صید مروارید، دچار وقفه و آسیب جدی شده بود؛ بنابراین لازم بود تمهیدی جدی برای مقابله با این مشکل اندیشیده شود. ازاین‌رو نماینده سیاسی با زیرکی طرح آتش‌بس را ارائه داد و ازآنجا که شیوخ عرب از تجارت مروارید سود خوبی به دست می‌آوردند، با این طرح موافقت کردند.

ازاین‌رو سندی توسط هنل تنظیم و برای شیوخ ارسال شد. در توافق مذکور تلاش شده بود، حقوق سایر گروه‌ها و طوایف در نظر گرفته شود و تنها برای ادامه صید مروارید محدودیت قائل شود؛ با موافقت شیوخ با مواد سند ارسالی، در ۲۱ اوت ۱۸۳۵م/ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۵۱ق شیوخ شارجه، دبی، عجمان و ابوظبی به یک جلسه رسمی در بوشهر دعوت شدند. قرارداد مذکور توسط (و یا به نمایندگی از) سلطان بن صقر شیخ قواسم، شخبوط پدر و نماینده تام‌الاختیار شیخ خلیفه حاکم بنی‌یاس، عبید بن سعد حاکم قبیله ابوفلاسه و راشد بن حمید شیخ عجمان امضا شد. براساس این قرارداد از ۲۱ مه تا ۲۱ نوامبر ۱۸۳۵م/ صفر تا شعبان ۱۲۵۱ق (اردیبهشت تا آبان) یک آتش‌بس غیرقابل‌نقض، عمدتاً

1. Captain Samuel Hennel

دستیار نماینده سیاسی در سالهای ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۵م/ ۱۲۴۱ تا ۱۲۵۱ق و مجدداً در سالهای ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۸م/ ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۴ق و رزیدنت در سالهای ۱۸۳۸ تا ۱۸۵۲م/ ۱۲۵۴ تا ۱۲۶۹ق

۲. پایگاه بریتانیا در جزیره قشم

اطراف آب‌های بحرین و قطر صورت گرفت. علاوه بر این، طی این قرارداد میان هنل و طوایف عرب توافق شد، که بریتانیا در اختلافات عشیره‌ای در خشکی هرگز داخل نخواهد شد و در مقابل حکام عرب حق هرگونه اقدام تلافی‌جویانه در صورت بروز تجاوز و درگیری را نخواهند داشت و ملزم خواهند بود جریان حادثه را به نماینده سیاسی بریتانیا در بوشهر و یا مقامات نظامی دریایی بریتانیا در خلیج فارس گزارش دهند؛ از سوی دیگر هنل به شیوخ عرب اخطار نمود، هرگونه نقض مقررات ترک مخاصمه در فصل صید مروارید برابر با نقض مقررات مربوط به چپاول در دریا است و با فرد خاطی برابر با همان مقررات رفتار خواهد شد (Lorimer, 1986: 1/ 695). بدین‌ترتیب نخستین قرارداد آتش‌بس با پیشنهاد نمایندگی بریتانیا در خلیج فارس و استقبال شیوخ عرب منعقد گردید.

هنگامی که در آوریل ۱۸۳۶م/محررم ۱۲۵۲ق زمان تمدید سالانه قرارداد آتش‌بس فرارسید، نماینده بریتانیا متوجه شد که تمدید آن با رضایت خاطر شیوخ همراه است (Onley, 2004: 73). در سپتامبر ۱۸۳۶م/جمادی‌الآخر ۱۲۵۲ق، تنها شانزده ماه پس از انعقاد نخستین قرارداد دریایی، مفاد آن را بنا به پیشنهاد شیخ سلطان بن صقر القاسمی در شارجه از تحریم نیروی دریایی در فصل صید مروارید به تحریم تمامی جنگ‌افزارهای دریایی، فراتر از زمان صید مروارید گسترش دادند. اما دستیار نماینده سیاسی، سرگرد جیمز موریسون^۱ این پیشنهاد را رد کرد؛ موریسون دلیل این حرکت را کمبود نیروی کافی برای دائمی ساختن این آتش‌بس عنوان نمود. دولت بریتانیا نیز متقاعد شده بود که تا زمانی که تحریم جنگ‌افزارهای دریایی در طول فصل صید مروارید ادامه دارد، این حکام تمامی جنگ و نزاع‌های خود را برای بعد از این فصل نگه می‌دارند، و آن‌ها از اینکه مشکلاتشان را به تعویق می‌اندازند یا به حالت تعلیق درمی‌آورند، رضایت دارند؛ چراکه دیگر قدرت و تصمیم‌گیری با آن‌ها خواهد بود که پس از اتمام فصل این نزاع‌های را دنبال کنند و بروز بدهند یا نه؛ اما اگر این تحریم در تمام طول سال جریان می‌یافت، موقعیت قبلی تأمین نمی‌شد. ساموئل هنل در سال ۱۸۳۰م/۱۲۴۶ق این مسئله را چنین توضیح داده است:

«حکام نمی‌توانستند حس کینه‌جویی، نفرت یا اختلافات عمیقی که منجر به بی‌اعتباری

1. James Murison

آن‌ها شده بود و آبروی آن‌ها را خدشه دارد کرده بود، را فراموش کنند. بنابراین حملات علیه یکدیگر و دفاع امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد و چنین به نظر می‌رسید که قادر است موجبات اولیه مذاکرات صلح را در خود حل کند» (Onley, 2004: 73).

پس از پایان نخستین دوره آتش‌بس دریایی، در ۱۳ آوریل ۱۸۳۶م/ ۲۶ ذی‌حجه ۱۲۵۱ق با نظارت سرهنگ موریسون، آتش‌بس به مدت هشت ماه دیگر تمدید شد. سپس با رضایت سایر حکام و شیوخ طوایف، در ۱۵ آوریل ۱۸۳۷م/ ۹ محرم ۱۲۵۳ق مجدداً صلح مذکور به مدت ۸ ماه دیگر تمدید گردید (Lorimer, 1986: 1/ 696).

۲.۳. قرارداد آتش‌بس ده‌ساله

پس از عقد قراردادهای آتش‌بس سالانه، در سال ۱۸۴۳م/ ۱۲۵۹ق میان نماینده سیاسی و شیوخ عرب بر سر یک دوره آتش‌بس ده‌ساله اتفاق نظر حاصل شد. اگرچه درگیری‌های مکرر طوایف قاسمی و بنی‌یاس تمامی نداشته و هر گروه برای خود طرفدارانی دست‌وپا کرده و مدام برعلیه یکدیگر اقدام به تاخت‌وتاز می‌نمودند، اما از آنجاکه صید مروارید در گرو برقراری صلح در دریاها بود، سلطان بن صقر این منفعت را به خشونت ترجیح داد و تاخت‌وتازهای بنی‌یاس را بی‌جواب گذاشت. بدین ترتیب زمینه‌های انتقام‌جویی روزبه‌روز کمتر شد، تا اینکه در سال ۱۸۴۳م/ ۱۲۵۹ق بر سر قرارداد آتش‌بس ده‌ساله توافق شد و هئل اقدام به عقد قرارداد با اعراب نمود (Lorimer, 1986: 1/ 696-697). در این راستا هئل از شیوخ متصالح خواست از جنگ دریایی و غارت اموال کسانی که قرارداد مذکور را امضا ننموده‌اند، نیز خودداری شود؛ زیرا مهم‌ترین هدف در این قرارداد جلوگیری از دزدی دریایی است. پس از این توافق، یگان‌های شناور نیروی دریایی هندوستان هر ساله در فصل صید مروارید، به محل‌های صید مروارید آمده و به گشت‌زنی و مراقبت پرداخته و از بروز هرگونه اختلال و درگیری ممانعت می‌نمودند (هاولی، ۱۳۷۷: ۲۰۰-۱۹۹).

ستوان کمبل (دستیار نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس در برهه مذکور) در باب اهمیت قرارداد آتش‌بس ده‌ساله چنین توضیح داده است: مفاد صلح همان‌قدر که برای ما مهم است برای طرفین قرارداد (منظور شیوخ امضاکننده قرارداد آتش‌بس) مهم تلقی شده و

آن‌ها در مناطق تحت حاکمیت خود حاضرند مشتاقانه این قرارداد را مجدداً به مدت ده سال یا حتی به مدت بیشتر تمدید نمایند (Onley, 2004: 73). جی.بی. کلی در تفسیر این قرارداد چنین نوشته شده است:

«... شیوخ به این نتیجه رسیدند که این قرارداد را تا ۱۰ سال تمدید کنند؛ این خود نشان‌دهنده تغییرات زیادی بود که در میان اعراب رخ داده و چهره آن‌ها را دگرگون کرده بود. آن‌ها گامی جلوتر هم برداشته بودند و کسی را که صلح را برهم می‌زد، پیش از آنکه به نماینده سیاسی تحویل دهند، خود تنبیه می‌کردند» (Kelly, 1986: 369).

درنهایت تجارت و سود حاصل از تجارت مروارید موجب شد شیوخ به ترک مخاصمات و درگیری‌ها راضی شوند و این نشان‌دهنده تحولی بزرگ در نگرش اعراب بود. اهمیت تجارت پرسود مروارید برای بریتانیا و شیوخ عرب آن‌ها را به اخذ تصمیمی مهم و سرنوشت‌ساز راضی ساخت. تجارت همواره یکی از دلایل اصلی حضور بریتانیا در خلیج فارس طی قرون ۱۷، ۱۸ و ۱۹م/۱۱، ۱۲ و ۱۳ق بود. از این‌رو یکی از علل تلاش‌های بریتانیا برای کنترل این حوزه، سود سرشار تجارت این منطقه بود؛ تجارت مروارید نیز یکی از مهم‌ترین ارکان تجارت خلیج فارس در قرون مذکور بود. بدین ترتیب سود تجارت مروارید منجر به در پیش گرفتن یک برنامه حساب‌شده توسط نماینده سیاسی بریتانیا برای تحت کنترل گرفتن مناطق صید و فروش آن و جلوگیری از نزاع در مناطق و فصل صید مروارید شد؛ از سوی دیگر، درآمد بالای این تجارت شیوخ عرب را نیز وادار به پذیرش صلح و آتش‌بس نمود. هرچند نباید هرگز قدرت نماینده سیاسی و امکانات نظامی وی را در پذیرش این امر از سوی شیوخ عرب نادیده گرفت.

۳.۳. قرارداد صلح دائم

پس از پایان یافتن دوران ده‌ساله آتش‌بس سال ۱۸۴۳م/۱۲۵۹ق با تلاش‌های آرنولد کمبل^۱ نماینده سیاسی وقت بریتانیا در خلیج فارس، صلح دریایی دائمی در خلیج فارس شکل

۱. سر آرنولد کمبل که از سال ۱۸۴۱م ۱۲۵۷ق تا سال ۱۸۵۲م/۱۲۶۸ق در بوشهر با عنوان دستیار ستوان ساموئل هنل خدمت کرده بود در سال ۱۸۵۲م/۱۲۶۸ق با خروج هنل از بوشهر، به‌عنوان نماینده سیاسی خلیج فارس منصوب گردید (Lorimer, 1986: 12/2673-2675).

گرفت. او با شیوخ مذاکراتی در باب تمدید قرارداد صلح و یا آتش‌بس دائمی انجام داد. براساس نامه ارسالی کمبل در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۸۵۲م/ ۱ ذی‌الحجه ۱۲۶۸ق به بمبئی، شیوخ عجمان، دبئی، ابوظبی و رأس‌الخیمه همگی خواستار تمدید قراردادهای سابق و حتی برقراری صلح دائم بودند (Saldanha, 1986: 2/ 240).

براساس موافقت شیوخ با تمدید آتش‌بس و نیز موافقت با برقراری صلح دائم در ابتدای مه ۱۸۵۳م/ رجب ۱۲۶۹ق نماینده سیاسی از پایگاه دریایی باسعیدو به سمت شیخ‌نشین‌ها حرکت نمود. وی به دیدار سلطان بن صقر در شارجه، سعید بن بویه^۱ در دبئی، سعید بن تهنون در ابوظبی، و سپس حکمران عجمان و ام‌القوین رفت. همه افراد مذکور با اهداف و نظرات کمبل موافقت کردند؛ با اینکه به نظر می‌رسید به‌واسطه درگیری‌های قدیمی میان اعراب، سیاست مذکور به مشکلاتی برخورد کند، اما مزایای صلح پایدار در دریا، موجب جلب نظر مثبت شیوخ شده و حتی رویارویی‌های قدیمی نیز که از سوی شیوخ قوی‌تر (شیوخ شارجه و ابوظبی) انتظار می‌رفت، مشاهده نشد. از سوی دیگر به شیخ شارجه اطمینان داده شد که امضای قرارداد جدید، وی را از دفاع کردن در برابر مستملکات دریایی خود در خلیج عمان به‌وسیله ادوات دریایی در برابر امام مسقط باز نخواهد داشت (Lorimer, 1986: 1/719). بدین‌ترتیب قراردادی به شرح زیر توسط نماینده بریتانیا در بوشهر تنظیم شد و در فاصله از ۴ تا ۹ می/ ۲۵ تا ۳۰ رجب ۱۸۵۳م/ ۱۲۶۹ق توسط شیوخ مذکور به امضا رسید:

«ما به نام‌های شیخ سلطان بن صقر حاکم رأس‌الخیمه، شیخ سعید بن تهنون حاکم ابوظبی، شیخ سعید بن بویه حاکم دبئی، شیخ حمید بن راشد حاکم عجمان و شیخ عبدالله بن راشد حاکم ام‌القوین که مهر تأیید بر این قرارداد زده‌ایم، سالیان متمادی از مزایای صلح در دریاها که با میانجی‌گری نماینده سیاسی خلیج فارس بسته شده بود، سود برده‌ایم که به‌دفعات مکرر نیز تمدید شده است و تأثیر این قرارداد در ناکامی دشمنان ما در دریا بسیار مشهود است، که در گذشته امنیت به‌وسیله عوامل ما به هنگام صید مروارید را بر هم می‌زدند. به‌موجب این [قرارداد] ما و جانشینانمان با این قرارداد صلح دائمی با شرایط زیر موافقت می‌کنیم:

1. Saeed Bin Butye

- از امروز ۴ می ۱۸۵۳م / ۲۵ رجب ۱۲۶۹ق هیچ‌گونه نزاعی بین عوامل ما در دریا وجود نباید داشته باشد و این امر در مورد جانشینان ما نیز صدق می‌کند.

- در صورتی که هریک از عوامل و وابستگان ما هرگونه اقدام خشونت‌آمیز بر علیه عوامل و اموال طرفین این قرارداد انجام دهند، فرد خاطی به سرعت تنبیه و غرامت کامل از او گرفته خواهد شد.

- در صورت ایجاد هرگونه نزاع دریایی توسط امضاکنندگان این قرارداد، اقدام تلافی‌جویانه انجام نخواهد شد، بلکه مراتب به نماینده سیاسی خلیج فارس یا صاحب‌منصب نظامی انگلیسی مستقر در باسعیدو، برای انجام اقدامات ضروری اطلاع داده خواهند شد. علاوه بر این ما توافق می‌کنیم که دولت انگلیس برای حفظ صلح و اجرای قرارداد ناظر بر ما باشد و پروردگار بر این امر گواه است» (Saldanha, 1986: 2/ 244-245).

بنابراین قرارداد صلح دائمی با تأکید بر عدم‌مداخله بریتانیا در درگیری‌های موجود میان اعراب در خشکی، منعقد گردید (Lorimer, 1986: 1/719). پس از عقد قرارداد صلح ۱۸۵۳م/۱۲۶۹ق، نام سواحل شیخ‌نشین جنوب خلیج فارس که توسط بریتانیا سواحل دزدان دریایی خوانده می‌شد، به ساحل متصالحه عمان^۱ تغییر نام یافت (ستاندیش، ۱۳۸۳: ۲۰۱). این قرارداد نشانه پیروزی سیاست بریتانیا در خلیج فارس بود. پس از نزدیک به نیم‌قرن دیپلماسی صبورانه و استفاده از لوازم تهدید، ارباب و فشار، بریتانیا موفق شد از طریق نفوذ، حمایت، تحریک و انواع روش‌ها به صلحی پایدار به خواسته شیوخ دست یابد، که اگر تلاش می‌شد با نیروی قهریه چنین صلحی به شیوخ عرب تحمیل شود، بی‌تردید هزینه بسیار و تمردهای بی‌پایان به همراه داشت. درواقع حضور مستمر و نزدیک نماینده مقیم بریتانیا در خلیج فارس، چنین دستاورد مهمی را برای بریتانیا فراهم آورد.

بدین ترتیب پس از سی‌وسه سال تلاش بی‌وقفه و برنامه‌ریزی‌شده، بریتانیا موفق شد به آنچه که بیش از هر چیز حضور جدی و طولانی‌مدت بریتانیا را در خلیج فارس باعث شده بود، خاتمه دهد. بی‌تردید درگیری‌ها و دزدی‌های دریایی نه‌تنها موجبات ناامنی مسیرهای تجاری را فراهم می‌آورد، بلکه باعث سوءاستفاده رقبای بریتانیا و نفوذ در حوزه خلیج فارس را

1. Trucial Coast of Oman

ایجاد می‌کرد. از این‌رو مقابله با نبردهای دریایی میان اعراب و نیز خاتمه دادن به دزدی دریایی در رأس کار نماینده سیاسی بریتانیا قرار گرفت. این دستاورد مهم، به‌ویژه برای تجارت بریتانیا در حوزه مروارید خلیج فارس، اهمیت شایانی داشت.

بریتانیا به‌منظور پیشبرد اهداف خود در این زمینه، ترکیبی از دیپلماسی، تهدید و حضور نظامی برای کنترل منطقه و برقراری صلح به کار برد. نمایندگان سیاسی بریتانیا نقش مهمی در این فرایند داشتند. این نمایندگان توانستند با استفاده از قدرت نظامی و نفوذ دیپلماتیک، شیوخ عرب را متقاعد کنند که صلح و امنیت دریایی به نفع همه نیروهای فعال در این حوزه است.

از سوی دیگر صلح دائم تأثیرات و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی برای بریتانیا و شیوخ عرب به همراه داشت. از جهت اقتصادی این قرارداد موجب تقویت تجارت مروارید شد. بروز اخلال در تجارت مروارید نه‌تنها تجارت بریتانی، بلکه زندگی ساکنان محلی که از این طریق امرارمعاش می‌کردند را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود. بنابراین با پایان دادن به دزدی دریایی و ناآرامی‌ها، از‌نظر اقتصادی آرامش و امنیت برقرار شد. این هدف که از هنگام عقد قرارداد صلح عمومی مدنظر بریتانیا بود، درنهایت در پی انعقاد قرارداد صلح دائمی به دست آمد.

از جهت اجتماعی نیز تجارت مروارید و سپس قراردادهای صلح، تأثیرات و پیامدهایی برای اعراب و بریتانیا به همراه داشت. پذیرش صلح توسط شیوخ عرب نشان‌دهنده تغییرات مهمی در رفتار و نگرش آن‌ها بود. جنگ و ستیز و انتقام‌جویی از ویژگی‌های مهم اعراب تا دوره مذکور بود، اما تلاش‌های بریتانیا و سود حاصل از تجارت مروارید، موجب بروز تغییراتی مهم در خوی و خصلت اعراب شده و با ترجیح منافع اقتصادی بر پیگیری نزاع و انتقام‌جویی، به‌سوی ترک منازعات و ایجاد صلح گام برداشتند. این تغییرات ناشی از درک اهمیت اقتصادی صید مروارید و منافع صلح بود؛ علاوه بر این مسئله ممانعت تجارت برده یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی قرارداد صلح عمومی بود. تجارت برده از دیرباز میان سرزمین آفریقا و خلیج فارس صورت می‌گرفت و بردگان عضوی از حیات اجتماعی جوامع ایران و عثمانی به‌ویژه ساکنان سواحل خلیج فارس بودند. اما بریتانیا به علل مختلفی در پی

ممانعت از تجارت مذکور برآمد. اگرچه در قرارداد صلح عمومی ۱۸۲۰م بر موضوع ممانعت از تجارت برده توسط اعراب تأکید شده بود، اما این بند از قرارداد مذکور تا زمان عقد قرارداد صلح دائم معلق مانده بود؛ و به محض انعقاد قرارداد صلح دائم، نمایندگان سیاسی بریتانیا شیوخ عرب را وادار نمودند که از تجارت برده دست بردارند و دولت‌های ایران و عثمانی را نیز با اعمال فشار، وادار به همکاری نمودند (Kelly, 1968: 411-414؛ بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۶۲-۵-۳۸، ۲؛ بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۶۲-۱۷۹، ۵ شعبان ۱۲۶۶، ۱؛ بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، مکاتبات ۱۲۶۹-۱۲۶۳ق، ۲ و ۴)^۱ از سوی دیگر قبایل عرب حواشی جنوبی خلیج فارس که تا زمان مذکور جزئی از جامعه ایران تلقی می‌شدند، به تدریج تحت تأثیر ارتباط با بریتانیا، تحت حمایت و همراهی نیروهای بریتانیا تلاش کردند هویتی مستقل از ایران برای خود ایجاد کنند. بدین ترتیب این قرارداد در حیات اجتماعی سرزمین‌های اطراف خلیج فارس تأثیرات مهمی برجای گذاشت.

از جهت سیاسی نیز نه تنها بریتانیا بلکه جوامع محلی نیز به شدت تحت تأثیر قرارداد صلح دائم واقع شدند. در پی عقد قراردادهای مختلف میان شیوخ عرب و بریتانیا و در نهایت قرارداد صلح دائم، ارتباطی نزدیک و مستقیم میان شیوخ عرب و بریتانیا برقرار شد. این ارتباط نزدیک، موقعیت سیاسی شیوخ عرب را تثبیت نمود و قدرت سیاسی آن‌ها را نه تنها در مقابل رقبای محلی افزایش داد، بلکه قدرت آن‌ها نیز در مقابل ایران افزایش یافت. این روند به تدریج به شکل‌گیری واحدهای مستقل سیاسی توسط شیوخ عرب امضاکننده قرارداد صلح دائم در سرزمین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس (که تا آن زمان در حوزه اقتدار دولت ایران و گاه عثمانی قرار داشتند) منجر گردید. قرارداد صلح دائم برای بریتانیا نیز پیامدهای سیاسی ارزشمندی به همراه داشت؛ گسترش حضور و تثبیت نفوذ و اقتدار بریتانیا در خلیج فارس از مهم‌ترین پیامدهای این قرارداد برای بریتانیا بود. بریتانیا از یکسو شیوخ را از برقراری ارتباط با سایر قدرت‌های منطقه و همچنین قدرت‌های اروپایی بر حذر داشت و از سوی دیگر آن‌ها را در مقابل سایر قدرت‌ها و دشمنان داخلی و خارجی حمایت نمود. این وضعیت به وابستگی

۱. همچنین رجوع کنید به: کلی، جان بارت، ریکس، توماس. ام (۱۳۸۳). *اعراب و تجارت برده در دریای پارس: ۱۸۴۸-۱۸۰۰*، مترجم حسن زنگنه، شیراز: نوید شیراز.

شیوخ عرب به بریتانیا و درنهایت تحت‌الحمایه شدن سرزمین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس منجر شد. علاوه بر این موقعیت بریتانیا نیز در شرق یعنی در خلیج فارس، سرزمین هند و اقیانوس هند تثبیت گردید و این امر دست دشمنان بریتانیا را از این سرزمین کوتاه نمود.

نتیجه

به واسطه اهمیت تجارت در حوزه خلیج فارس، یکی از مهم‌ترین اهداف بریتانیا در خلیج فارس مقابله با خشونت و درگیری به منظور تأمین امنیت لازم برای برقراری تجارت در این حوزه بود. از سوی دیگر ناآرامی‌ها، نظارت بر حوزه خلیج فارس و سواحل اطراف را مشکل می‌ساخت. از این رو یکی از نخستین اهداف و برنامه‌های بریتانیا در خلیج فارس مقابله با دزدی دریایی، درگیری‌ها و نبردهای قبایل عرب بود. درواقع یکی از مهم‌ترین عللی که بریتانیا قصد داشت به نبردها و درگیری‌ها در حوزه خلیج فارس خاتمه دهد، مسئله صید و تجارت مروارید بود. سود سرشار آن باعث می‌شد هر قدرتی تلاش کند کنترل تجارت آن را به دست گیرد اما ناآرامی‌ها و خشونت‌های مکرر در سده‌های ۱۸ و ۱۹م/۱۲ و ۱۳ق صید و تجارت مروارید را مختل نموده بود. در این راستا بریتانیا در خلیج فارس به منظور جریان یافتن تجارت مروارید، دست به ابتکار زده و اقدام به عقد قراردادهای آتش‌بس موقت تنها در فصل صید مروارید نمود. سود سرشار تجارت مروارید برای اعراب باعث شد آن‌ها نیز خواستار آتش‌بس طی این دوره شوند. قراردادهای آتش‌بس چندین سال طی دوران صید مروارید تمدید شدند و با افزایش نفوذ نماینده بریتانیا در خلیج فارس و نیز حضور پررنگ نیروی دریایی بریتانیا که بر قدرت و اعمال نفوذ بریتانیا می‌افزود، دوران آتش‌بس، طولانی‌تر شد. ابتدا دوران آتش‌بس‌ها حدود هشت ماه، سپس یک سال و پس از آن به مدت ۱۰ سال تمدید شد و درنهایت در سال ۱۸۵۳م/۱۲۶۹ق قرارداد آتش‌بس به صلح دائم دریایی تبدیل گردید. اگرچه طی سال‌های اولیه آتش‌بس، بریتانیا عقیده داشت خوی جنگجوی عرب و نیز کینه‌های قدیمی مانع از عقد صلح دائمی خواهد شد، اما سود سرشار تجارت مروارید تأثیر مهمی در پذیرش صلح دائم از سوی اعراب داشت. در دوران آتش‌بس در فصول صید مروارید، نیروی دریایی هند بریتانیا به منظور حفاظت از آتش‌بس در آب‌های خلیج فارس، به‌صورت دائم مشغول به گشت‌زنی بوده و با هرگونه نافرمانی از مفاد قرارداد مقابله می‌شد.

شیوخ با امضای قراردادهای آتش‌بس به‌تدریج از حوزه اقتدار و نفوذ خود کاسته و بر اقتدار و قدرت بریتانیا افزودن؛ از آن پس دزدی‌های دریایی و ناامنی‌ها و هرگونه رفتار مخالف با نظم موردنظر بریتانیا با حمله نظامی ناوگان دریایی بریتانیا مواجه می‌شد.

صلح دائم تأثیرات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مهمی در پی داشت. از جهت اقتصادی، گسترش تجارت مروارید که نه‌تنها یکی از اهداف مهم بریتانیا از حضور در خلیج فارس بود، بلکه ممر معاش ساکنان حواشی خلیج فارس در بازه زمانی مذکور نیز بود، تأمین شد. از جهت اجتماعی نیز از یکسو تغییراتی در رفتار و خوی خصلت اعراب ایجاد نمود و از سوی دیگر به دخالت بریتانیا در خریدوفروش برده به‌عنوان یکی از اعضا و ارکان سواحل و جامعه عصر موردنظر منجر شد و از جهت سیاسی نیز تسلط بریتانیا بر خلیج فارس، برقراری ارتباط مستقیم و نزدیک بریتانیا با شیوخ عرب حاشیه جنوبی این آبراه، افزایش حوزه اقتدار و تثبیت موقعیت شیوخ عرب مذکور، از تبعات سیاسی قرارداد صلح دائم بود که درنهایت به شکل‌گیری شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس منجر شد. بنابراین شاید بیش از تمام علایق و برنامه‌های بریتانیا در خلیج فارس، این تجارت مروارید بود که درنهایت باعث شد بریتانیا به هدف مهم خویش در خلیج فارس دست یافته و کنترل حوزه خلیج فارس را به دست گرفته، سپس با ایجاد صلح دائم این آبراه را تحت تسلط خود قرار دهد.

درنهایت لازم به ذکر است که مهم‌ترین یافته این تحقیق تأثیر تجارت مروارید بر شکل‌گیری قرارداد صلح دائم میان اعراب و بریتانیا بود که درنهایت به کنترل خلیج فارس توسط بریتانیا منجر شد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). *مראה‌البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- پیو کارلوترنزی و (۱۳۶۳). *رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمه عباس آذرین، تهران: علمی و فرهنگی.
- حبیبی، حسن و وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷). *بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس*، بی‌جا: بنیاد ایران شناسی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسنامه ناصری*، به تصحیح منصور رستگا فسایی، تهران: امیرکبیر.
- خاراکی، ایزدور (۱۳۹۲). *منزلگاه‌های اشکانی*، ترجمه علی‌اصغر میرزایی، تهران: ماهی.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۸۳). *حقایق‌الآخبار ناصری*، به کوشش سیدحسین خدیو جم، تهران: نی.
- زاده‌بوشهری، اسماعیل (بی‌تا). *فلات قاره و جزایران*، بی‌جا: بی‌نا.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۵۳). *نسخ‌التواریخ*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- ستاندیش، جان (۱۳۸۳). *ایران و خلیج [فارس] دورنمای گذشته و چشم‌انداز آینده*، ترجمه عبدالرضا سالاربهزادی، تهران: نی.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۷۰). *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر*، مصحح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

- _____ (۱۳۶۲). *التدقیق فی سیرالطریق*، تحیح احمد اقتداری، بی‌جا: بی‌نا.
- _____ (۱۳۴۲). *بندرعباس و خلیج فارس «اعلام‌الناس فی احوال بندرعباس»*، تصحیح احمد اقتداری به کوشش محمدعلی ستایش، تهران: دنیای کتاب.
- طاهری، رضا (۱۳۸۰). *از مروارید تا نفت تاریخ خلیج فارس*، شیراز: داستانرا.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____ (۱۳۸۹). *تاریخ بوشهر از صفویه تا زنده، ترجمه حسن زنگنه*، بوشهر: شروع.
- القاسمی، سلطان‌بن محمد (۱۳۸۷). *دزدان دریایی در خلیج فارس*، ترجمه محمدباقر وثوقی و فرامرز فرامرزی، قم: همسایه.
- کرزن (۱۳۴۷). *ایران و مسئله ایران*، ترجمه علی جواهرکلام، بی‌جا: ابن‌سینا.
- کلی، جان بارت، ریکس، توماس ام (۱۳۸۳). *اعراب و تجارت برده در دریای پارس: ۱۸۴۸-۱۸۰۰*، مترجم حسن زنگنه، شیراز: نوید شیراز.
- *اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم: گزارش هیئت بازرگانی هندبریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران (۱۹۰۴-۱۹۰۵ م/ ۱۲۸۴-۱۲۸۳ ش)* (۱۳۷۶). ترجمه معصومه جمشیدی و محمدتقی حروفچین، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- لوتسکی، ولادیمیر (۱۳۴۹). *تاریخ عرب در قرون جدید*، ترجمه پرویز بابایی، تهران: مرکز نشر سپهر.
- لوریمر، جان گوردن (۱۳۸۸). *وقایع نگاری خلیج فارس*، بخش تاریخ ایران، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳). *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمد نوری، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)*. مؤسسه تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، بی‌جا.

- نشات، صادق (۱۳۴۴). *تاریخ سیاسی خلیج فارس*، تهران: کانون کتاب.
- هاوولی، دونالد (۱۳۷۷). *دریای پارس و سواحل سرزمین‌های متصالح*، ترجمه حسن زنگنه، قم: همسایه با همکاری مرکز بوشهرشناسی.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). *ایران در تشرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هنت، جورج هنری (۱۳۲۷). *خاطرات هنت: جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- *یادداشت‌های ژنرال ترمزل در سفر به ایران راجع به سال‌های (۱۸۱۲-۱۷۸۰م) (بی‌تا)*. به اهتمام ژ.پ. دوما، ترجمه عباس اقبال، تهران: فرهنگ سرا.

مقالات

- مستوفی، فرخ (۱۳۸۷). صید و تجارت مروارید در خلیج فارس در قرن نوزدهم. *بررسی‌های نوین تاریخی*، ۴ (۴ و ۵).
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۸). چند سند رسمی از فعالیت سیاسی فرانسه در ایران. *نشریه وزارت امور خارجه*، (۵).
- غفوری، زیبا، حمید حاجیان‌پور (۱۳۹۹). بررسی علل انتخاب و تداوم بوشهر به عنوان پایگاه نمایندگی کمپانی هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۱ (۲۴).
Doi: 10.22034/JIIPH.2020.12325
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۹). نظریات اندیشمندان ژئوپولیتیک جهان در مورد اهمیت نظامی خلیج فارس. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۱ (۱).

اسناد

- بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند مربوط به خرید و فروش برده، کارتن ۳۸، ذی‌القعدة ۱۲۶۲.
- بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، حمل و نقل برده، کارتن ۱۷۹، ۵ شعبان ۱۲۶۶.

- بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، مکاتبات ۱۲۶۹-۱۲۶۳ق، مورخ شوال ۱۲۶۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، استخراج مروارید در بنادر خلیج فارس، شناسه سند ۱۱۰۴۷۰-۲۴۰، ۱۹۱۱ میلادی.

ب) منابع انگلیسی

- 0 Amin, abd Al-Amir Muhammad (1967). *British Interests in the Persian gulf*, Netherlands.
- 0 Atchinson, C.U.A. (1909). *Colletion of Treaties Engagement and Sanad, Relating to India Neiboring Countries*, Vol XXII, Cacutta.
- 0 Belgrive, Charls (1972). *The Pirate Coast*, Libraia du Liban Beirut.
- 0 Kelly, J.B. (1986). *Britain and the Persian Gulf 1795-1880*, Oxford at the Clarendon Press. London.
- 0 Lorimer, John Gordon (1986). *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, Volume I (Historical, Part I), Archive Edition.
- 0 Lorimer, John Gordon (1986). *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, Volume I (Historical, Part II), Archive Edition.
- 0 Lorimer, John Gordon (1986). *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, Volume II (Geographical and Statical), Archive Edition.
- 0 Miles, S.B. (1966). *The Countries and Tribes of the Persian Gulf*, London.
- 0 Onley, James (2004). *The Politics of Protection in the Gulf: The Arab Rulers and the British Resident in the Nineteenth Century*, New Arabian Studies, November 2004. 92-30.
- 0 Saldanha, J.A. (1986). *Précis of Correspondence Regarding the Affairs of the Persian Gulf 1800-1853*, (Calcutta, Office of the Superintendent of Government Printing, India 1906), Archive Edition, 1986.
- 0 Saldanha, J.A. (1986). *The Persian Gulf Précis(Selection from State Papers, Bombay Regarding the East India Companys*

Connection with the Persian Gulf, with a Summary of Events, 1600-1800, Government Printing Press, Calcutta, (1908) Volume I, Archive Edition.

- 0 Tallon, F. (1992). *The Achaemeind Tomb on the Acropol*, the Royal City of Susa, New York. pp: 242-252.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی